

Challenges and Official capacities of the borders of Sistan and Baluchistan in the direction of poverty alleviation

Mohammadzader Bayestizehi^۱, Mohammad Jalali,^۲ Seyed Ahmad Habibnejad^۳

۱. Doctoral student of Public Law, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran, mzaker.b@gmail.com

۲. Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran mdjalali@gmail.com

Iran (corresponding author)

3. Associate Professor, Tehran University (Farabi Qom), Iran, a.habibnezhad@ut.ac.ir

Date Received 2022/12/07

Date of correction 2023/02/21

Date of Release 2023/01/12

Abstract

The border province of Sistan and Baluchistan is one of the most deprived provinces in the country, despite the efforts and huge expenses spent on its development. And despite the achievements, a large population of people in this province still live in poverty and deprivation, so that according to national statistics, Sistan and Baluchistan province ranks first in the country in poverty and deprivation indicators. The potential of the border can be used to eliminate poverty and improve the livelihood of people in the border areas. But this issue is facing serious challenges, especially in Sistan and Baluchistan province, that if the obstacles are identified and fully understood, as well as the existing capacities in this province, favorable planning and policies can be adopted to eradicate poverty in the province. . Based on this, the current qualitative research with semi-structured interview method seeks to identify the most important Official challenges and capacities in the border province of Sistan and Baluchistan, and its statistical population consists of managers and specialists of the province. The results of the analysis of the interviews showed that adopting a security approach instead of development in the border areas, the lack of optimal use of border exchanges as an economic opportunity, smuggling and the creation of an unsafe economy, the unfavorable economic policies of neighboring countries in relation to the border are the main challenges to It counts And capacities such as the creation and expansion of border markets and the use of the industry and mining capacity of the province with the participation of local people and cooperatives of border dwellers, if it is taken into consideration, a fundamental step will be taken to eliminate the root of poverty.

Keywords: Sistan and Baluchistan province, poverty alleviation, Official challenges, Official capacities, border.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

فصلنامه حقوق اداری

سال دهم، بهار ۱۴۰۲، شماره ۳۴

مقاله علمی پژوهشی

ظرفیت‌ها و چالش‌های اداری فقرزدایی در مناطق مرزی؛ مورد مطالعه استان سیستان و بلوچستان

محمد ذاکر بایستی زهی^۱؛ محمدجلالی^۲؛ سید احمد حبیب‌نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

چکیده

استان مرزی سیستان و بلوچستان از جمله محروم‌ترین استان‌های کشور است که با وجود تلاش‌ها و صرف هزینه‌های هنگفتی که برای توسعه آن شده است و علی‌رغم دستاوردها، هنوز جمعیت زیادی از مردم این استان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند به‌گونه‌ای که بر اساس آمارهای کشوری در شاخص‌های فقر و محرومیت استان سیستان و بلوچستان رتبه یک را در کشور دارد. برای رفع فقر و بهبود معیشت مردم در مناطق مرزی می‌توان از پتانسیل مرز بهره جست. اما این امر به خصوص در استان سیستان و بلوچستان خود با چالش‌های جدی روبروست که در صورت شناسایی و شناخت کامل موانع و همچنین ظرفیت‌های موجود در این استان می‌توان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های مطلوبی جهت ریشه‌کنی فقر در استان اتخاذ شود. بر این اساس پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به دنبال شناسایی مهمترین چالش‌ها و ظرفیت‌های اداری در استان مرزی سیستان و بلوچستان بوده و جامعه آماری آن را مدیران و متخصصان استان تشکیل داده است. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که اتخاذ رویکرد امنیتی به‌جای توسعه‌ای در مناطق مرزی، عدم استفاده بهینه از مبادلات مرزی به مثابه فرصت اقتصادی، قاچاق و ایجاد اقتصاد نایمن، سیاست‌های اقتصادی نامطلوب کشورهای همجوار در رابطه با مرز چالش‌های اصلی به حساب می‌آید و ظرفیت‌هایی همچون ایجاد و گسترش بازاریابی‌های مرزی و استفاده از ظرفیت صنعت و معدن استان با مشارکت مردم محلی و تعاونی‌های مرزنشینان چنانچه مورد توجه قرار گیرد گامی اساسی در جهت رفع ریشه‌ای فقر برداشته می‌شود.

کلید واژه‌ها: استان سیستان و بلوچستان، فقر زدایی، چالش‌های اداری، ظرفیت‌های اداری، مرز

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mzaker.b@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mdjalali@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.
a.habibnezhad@ut.ac.ir

مقدمه

فقر از جمله دیربازترین مسائل حیات بشری است که به ویژه در دهه‌های اخیر ابعاد فزاینده‌ای پیدا کرده است و روز به روز فاصله بین فقیر و غنی بیشتر شده و به تعداد فقرا در جهان افزوده می‌شود. چنانکه آخرین گزارش آکسفام^۱ حاکی از آن است فاصله طبقاتی میان ثروتمندان و فقرا در سال گذشته افزایش قابل توجهی یافته است به طوری که ثروت تنها ۲۶ نفر از متمول‌ترین افراد جهان با دارایی حدود ۳/۸ میلیارد انسان برابر است. فقر پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است و آن را باید محصول نوع روابط اجتماعی، ساختار نظام سیاسی و راهبردهای اقتصادی و اجتماعی آن و همچنین عملکرد خود افراد بدانیم. از سوی دیگر فقر پدیده‌ای نیست که یک شبه به وجود بیاید بلکه نتیجه روندی زمان بر و سیاست‌های پایدار است. در این میان، سهم نقش دولت و تصمیم‌گیری‌ها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های آن بیشتر از سایر متغیرها تأثیرگذار است. چرا که قدرت سیاسی متولی اصل تخصیص دهنده ارزش‌ها و منابع در جامعه است و مهم‌ترین نقش را در چگونگی توزیع ثروت و درآمد سرانه در جامعه ایفا می‌کند.

ایران نیز مشابه سایر کشورهای در حال توسعه جهان، با مسئله فقر و از جمله گستردگی آن در جامعه روستایی رو به روست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر تدوین برنامه‌های مختلف و بودجه‌های سنواری به منظور رفع فقر، برخی اقدامات حمایتی دیگر برای مقابله با فقر به‌طور ویژه طراحی و اجرایی شد که از جمله می‌توان به تأمین امکانات آموزشی و بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، خدمات سازندگی روستاها و گسترش بیمه همگانی اشاره کرد (خداداد کاشی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۹۲)؛ که این برنامه‌ها و تلاش‌ها علی‌رغم اینکه موفقیت‌های نسبی به دست آورده‌اند، ولی هنوز فقر در بسیاری از مناطق کشور به صورت گسترده وجود دارد این مسأله در استان مرزی سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به صورت چشمگیرتری وجود دارد. اگرچه در چند دهه اخیر فعالیت‌های زیادی در جهت توسعه استان صورت گرفته است. با وجود این تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد (کاروانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۲). این استان از جمله پیچیده‌ترین استان‌های کشور بویژه از نظر فرهنگی و اجتماعی است؛ بگونه‌ای که علی‌رغم تاریخ کهن و ظرفیت‌های متعدد

۱. آکسفام یک سازمان بین‌المللی تحقیق و امدادسانی برای ریشه کن کردن فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی در جهان است. این موسسه غیر انتفاعی در سال ۱۹۴۲ در دانشگاه آکسفورد در قالب یک کمیته امدادسانی برای مبارزه با قحطی از سوی فعالان اجتماعی و دانشگاهیان آکسفورد بنیان شده است.

در حوزه میراث فرهنگی جغرافیا و توسعه منطقه‌ای و پس از گذشت نزدیک به صد سال از شکل‌گیری دولت مدرن و حدود هفت دهه برنامه‌ریزی عمرانی در کشور هنوز در زمره مناطق توسعه نیافته ایران محسوب می‌شود. تراکم مشکلات و معضلات که خود را در حوزه‌های مختلف بازتولید می‌کنند این استان را در یک چرخه عقب‌ماندگی و محرومیت گرفتار کرده است؛ چرخه‌ای که رهایی از آن نیازمند عزم ملی و اراده‌ای بنیادین از سوی سیاست‌گذاران مرکزی، مدیران منطقه و مردم محلی است. (رمضان خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵).

بر این اساس در جنوب شرق ایران، مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی را به لحاظ توسعه اقتصادی در کشور داراست که به دلیل دور افتادگی، پرت بودن، در حاشیه بودن و به‌ویژه گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور، تأثیرگذاری این منطقه در مقیاس کشوری را بسیار کم‌رنگ کرده و باعث شده که این استان یکی از مناطقی باشد که با توجه به قابلیت‌های طبیعی و سیاست‌های اقتصادی حاکم بر کشور جزو توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور شود؛ و بر طبق آمارهای موجود کشوری، فقیرترین استان کشور به حساب می‌آید.

این استان مرزی با وجود پتانسیل‌های مختلف و وجود مرز مشترک با دو کشور افغانستان و پاکستان و استفاده از فرصت تجارت برون مرزی و بندر آزاد چابهار همچنان از نظر رشد شاخص‌های اقتصادی در سطح بسیار پایینی قرار دارد و این به این معنی است که از ظرفیت مرز در جهت مطلوبی استفاده نشده است. در نتیجه در نوشتار حاضر با روش کیفی و مصاحبه نیمه ساختار یافته سعی خواهیم کرد تا با پاسخ به مساله مطروح یعنی مهمترین چالش‌ها و ظرفیت‌های اداری فقرزدایی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان شناسایی شود و پاسخ علمی به همراه پیشنهادات مناسب و کاربردی ارائه گردد.

در خصوص موضوع مذکور کتاب‌ها و مقالاتی که نگارش یافته، برخی جنبه‌های این تحقیق بررسی شده است. از جمله این نوشته‌ها: مقاله نادری، جان پرور و جمعه (۱۳۹۷) تحت عنوان «چالش‌ها و ظرفیت‌های توسعه گردشگری در مناطق مرزی»، مقاله قاسمی و وکیلی (۱۳۹۸)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی سیاست‌های کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان»، پژوهشی توسط کاروانی، پورمنافی و رئیسی (۱۳۹۹) با عنوان «تحلیل کیفی شرایط و عوامل علی فقر و ناامنی در مناطق مرزی» انجام شده است، لیکن همان طور که از مراجعه به این نوشته‌ها مستفاد می‌گردد هیچ یک از

این تحقیقات به موضوع مورد بحث تحقیق حاضر یعنی چالش‌ها و ظرفیت‌های مرز در جهت فقرزدایی از منظر اداری و به طور خاص در استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند و از این نظر، موضوع مقاله حاضر کاملاً بدیع و کاربردی است.

بحث و یافته‌ها

داده‌های پژوهش به تفکیک نظر مصاحبه شونده‌گان مرتب و در جدول شماره ۱ به عنوان یک مقوله اصلی و ۷ مقوله فرعی تجزیه و تحلیل شده‌اند و در نهایت از کل نتایج بدست آمده نتیجه گیری شده است:

مقوله اصلی	ظرفیت‌ها	چالش‌ها
چالش‌ها و ظرفیت‌های اداری فقرزدایی در استان مرزی استان سیستان و بلوچستان	ایجاد بازارچه‌های مرزی	ارجحیت رویکرد امنیتی به جای رویکرد توسعه‌ای در مناطق مرزی
	استفاده از ظرفیت صنعت و معدن استان	قلاچاق و ایجاد اقتصاد نا ایمن
	تعاونی‌های مرز نشینان	عدم استفاده بهینه از مبادلات مرزی به مثابه فرصت اقتصادی سیاست‌های اقتصادی نامطلوب کشورهای همجوار در رابطه با مرز

۱. چالش‌های اداری فقر زدایی در استان سیستان و بلوچستان مناطق مرزی

۱-۱. اتخاذ رویکرد امنیتی به مرزها به جای رویکرد توسعه‌ای

امنیت یکی از زیر ساخت‌های مهم توسعه است که متأسفانه استان سیستان و بلوچستان از سال‌های گذشته با مسئله پایین بودن ضریب امنیت مواجه بوده است چالش امنیت در استان بدین معناست که شهرهای مرزی منطقه با طیفی از ناامنی‌های ناشی از خشونت و تروریسم و بیش از آن احساس خشونت مواجه هستند. بخشی از این پایین بودن ضریب امنیت، مبتنی بر واقعیت و ناشی از تجربه‌های پیشین در زمینه بمب‌گذاری و تروریسم گروه‌هایی مثل جندالله است. بخشی نیز ساخته رسانه‌ها و افکار عمومی بوده و به نوعی برجسته‌سازی این ناامنی است اما به هر جهت این معضل موجب تقویت نگاه‌های امنیتی از سوی سیاست‌گذاران و غلبه نیروهای نظامی و امنیتی در معادلات

استان شده و عامل مهمی در توسعه نیافتگی استان است. شکل گیری این معضل را می‌توان در چند عامل مهم جستجو کرد: اول همجواری استان با کشورهای پاکستان و افغانستان که خود با چالش تروریسم و افراطی‌گری مذهبی مواجهند، موجب شده تا مرز که در حالت عادی می‌تواند یک فرصت باشد برای این استان بدل به یک تهدید شود. دوم، قاچاق انسان و کالا از مرزها مخاطرات زیادی به وجود آورده و به ویژه ترانزیت مواد مخدر، درگیری‌های دائمی نیروهای انتظامی با اشراک و قاچاقچیان را در پی دارد. سوم تضادهای قومی و مذهبی در استانی که اکثریت آن را بلوچها و اهل سنت تشکیل می‌دهند، بویژه با توجه به چالش‌های قومی و مذهبی در منطقه خاورمیانه، به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز خشونت باشد. چهارم، غلبه بیش از حد نیروهای نظامی و امنیتی در استان، نیز مزید بر علت است و گاهی منجر به تحریک ساکنان بومی می‌شود. (رمضان خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹)

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که طبق ادراک مشارکت‌کنندگان، رویکرد امنیتی نسبت به استان سیستان و بلوچستان، رویکرد مسلط می‌باشد و در این زمینه اعتقاد دارند که این رویکرد در استان باعث شده است که برخورد کلیشه‌ای و به دور از واقعیت‌های موجود و فقط براساس ادراک منفی نسبت به استان در کشور حاکم شود و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران هم براساس این رویکرد نسبت به مسائل و آسیب‌های استان تصمیم‌گیری نکنند. طبق ادراک مشارکت‌کنندگان این رویکرد باعث شده است که این استان برچسب ناامن را به یدک بکشد و از سوی دیگر برچسب ناامنی، باعث شده است که کوچکترین اتفاقی که در استان بیفتد، به شدت بزرگنمایی می‌شود. طبق ادراک مشارکت‌کنندگان این نوع نگاه نسبت به مسائل و اتفاقات استان، جو ناامنی در استان به وجود آورده است و در فضای عمومی کشور این استان را ناامن‌ترین استان می‌شناسند، در صورتی که فرسنگ‌ها از واقعیت‌های جامعه به دور می‌باشد.

یکی از مشارکت‌کنندگان، رویکرد امنیتی را شامل این می‌داند که نسبت به وقایع به حالت عادی نگاه نشود. این مشارکت‌کننده ادراک خود را به این شکل بیان می‌کند:

امنیتی کردن قومیت و منطقه از علل عمده می‌باشد. امنیتی کردن یعنی این که وضعیت به حالت عادی نگریسته نشود؛ یعنی این که مسائل اجتماعی در حوزه اجتماعی، اقتصادی و ... حل و فصل نمی‌شوند مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به حوزه امنیتی کشیده می‌شوند. با امنیتی کردن قوم بلوچ که اکثریت جمعیت استان را در بر می‌گیرد و با مرکز تفاوت مذهبی دارد، به حاشیه کشانده می‌شود.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان به فرصت‌های مرزی اشاره می‌کند که این رویکرد امنیتی و نگاه امنیتی باعث شده است که از فرصت‌های مرز حداکثر استفاده نشود. این مشارکت‌کننده ادراک خود را به این شکل بیان می‌کند:

مرز برای استان بایستی فرصت باشد، اما با توجه به امنیتی کردن قومیت اینک این فرصت را از مردم استان گرفته‌اند.

عدم توسعه هر یک از مناطق می‌تواند امنیت انسانی و امنیت ملی را با چالش مواجه کند، این مسأله در خصوص مناطق حاشیه‌ای و مرزی اثری مضاعف دارد چرا که اگر مناطق حاشیه‌ای از توسعه عقب بمانند و دولتمردان یک کشور مشکلات و مسائل مردمان حاشیه را در حاشیه حل نکنند ناگزیر مهاجرت از حاشیه به مرکز رخ خواهد داد که این مهاجرت هم بعد عینی و هم بعد روانی دارد. به طوری که این مهاجران مشکلات حاشیه را به مرکز خواهند آورد و در فاصله‌ای نزدیک‌تر به مرکز، حاشیه‌هایی نوین خواهند آفرید که خطرات امنیتی این حاشیه‌ها دهها برابر بیشتر از قبل می‌باشد. به‌علاوه خالی شدن مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور از جمعیت، آسیب‌پذیری مرزها و امنیت انسانی و ملی کشور را افزایش می‌دهد (راستی و رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۷-۱۵۱). تجربیات کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین حقوقی می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های مرزی بین منطقه‌ای، ایجاد سودهای - تجاری، کاهش قیمت کالاها، همگرایی میان عرضه و تقاضا و ایجاد درآمد، اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (محمودی، ۱۳۸۹: ۱۸۶ - ۱۶۱). در خصوص نگاه امنیتی به مناطق مرزی قانون‌گذار خود نیز به این امر اذعان دارد که برای توسعه کشور به خصوص مناطق مرزی نیاز به تغییر رویکرد می‌باشد؛ به طوری که در نص سند آمایش سرزمین افق ۱۴۲۴ در ماده ۴ (راهبردها و سیاست‌های سرزمینی) بند ۴ چنین آمده است «تغییر رویکرد نسبت به مناطق مرزی و زمینه سازی برای نقش‌آفرینی آنها در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی». که برای حصول این امر قانونگذار در همین سند خواستار مشارکت افراد محلی و بومی را برای رسیدن به توسعه و امنیت در مناطق مرزی شده است. بند ۲۳۴ «ایجاد زمینه مشارکت جمعی اقوام و گروه‌های مذهبی در توسعه و امنیت مناطق مختلف کشور به ویژه مناطق مرزی» و در بند ۲۴۱ «تغییر و اصلاح شیوه‌های امنیتی مدیریت سرزمین به ویژه مناطق مرزی با تاکید بر مشارکت جوامع محلی» و همین‌طور بند ۲۴۳ «تقویت جمعیت‌پذیری نقاط روستایی و شهرهای کوچک و میانی واقع در

حاشیه کویر و مناطق مرزی به منظور ارتقاء امنیت منطقه» استفاده شده است اما با توجه به واقعیت‌های موجود در مناطق مرزی تنها در مرحله اجرا شاهد بکارگیری و استخدام بسیج مردمی از خود مردم بومی و محلی در مناطق مرزی جهت تأمین امنیت آنها هستیم اما این مشارکت اندک و جزئی کمکی به توسعه مناطق و رفع فقر نداشته است.

یکی از مشارکت‌کنندگان در ارتباط با ارجحیت رویکرد امنیتی بجای رویکرد توسعه‌ای ادراک خود را به این شکل بیان می‌کند:

«بافت اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی قومی است و این باعث شده حاکمیت نگران باشد و این گفتمان امنیتی بر مناطق مرزی حاکم باشد نه گفتمان توسعه. البته در مراجع رسمی به هیچ عنوان بیان نمی‌شود اما اگر در عمل ببینید واقعیت امر همین است.»

۱-۲. قاچاق و ایجاد اقتصاد نا ایمن

وضعیت اقتصاد و نحوه معیشت در استان‌های مرزی و به‌خصوص استان سیستان و بلوچستان به نسبت سایر استان‌های کشور کاملاً متفاوت است. در استان نوعی اقتصاد رواج دارد که با محوریت قاچاق کالا سوخت و مواد مخدر و... می‌باشد. با توجه به مرزهای طولانی که استان سیستان و بلوچستان با دو کشور افغانستان و پاکستان و همچنین مرزهای آبی که با کشورهای حوزه خلیج فارس دارد و اینکه بیش از نیمی از جمعیت استان در نزدیک این مرزها زندگی می‌کنند، به تبع طبیعی و عادی هست که نحوه معیشتشان مرتبط با مرز باشد و برای گذران روزگارشان به مرز مراجعه کنند. آنچه اهمیت دارد و خطرات و آسیب‌های زیادی برای استان و کشور به وجود آورده است، عدم مدیریت و عدم سازمان‌دهی مرز و نحوه معیشت مرزنشینان می‌باشد چنانچه در نظرات مشارکت‌کنندگان نیز شاهد عدم ساماندهی مبادلات برون مرزی هستیم و در واقعیت امر اقدام جدی در این مورد صورت نگرفته و شاهد انواع قاچاق و مبادلات غیر رسمی در مناطق مرزی هستیم که خود نه تنها باعث افزایش فقر شده بلکه خطرات مالی و جانی بسیاری برای مردم مناطق مذکور داشته است.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد نظر خود را به شکل زیر بیان می‌دارد:

«من خودم اصطلاحی که بعضی مواقع به کار می‌برم برای جامعه سیستان و بلوچستان «اقتصاد ناایمن» است. به این صورت که شما برای به‌دست آوردن نان و بدست آوردن هزینه روزانه باید با جان خودت بازی کنی. اگر دولت بیاد یک ساماندهی داشته باشه و مبادلات مرزی رو به‌صورت

قانونی کنترل کنند و اجرائش کنند افراد زیادی به صورت سالم‌تر مشغول کار میشوند و اقتصاد از این حالتی که هست درمیآید و ناامنی جانی و مالی هم ایجاد نمیشود.»

در سند آمایش سرزمین ماده ۴ بند ۶۶ در خصوص ساماندهی اقتصاد غیر رسمی در مناطق مرزی و همچنین در سند توسعه استان به ساماندهی مبادلات برون مرزی کالا و تبدیل شیوه‌های غیرقانونی (قاچاق انواع کالا و به ویژه سوخت و سایر کالاهای مشمول یارانه) به مبادلات رسمی و مهار جریان ورود مواد مخدر و مقابله با سازماندهی ترانزیت و توزیع آن از طریق مرزهای شرقی استان تاکید شده است. در قانون برنامه ششم توسعه بند «ت» ماده ۱۰۶ به منظور تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، کاهش جرم و جنایت، مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز از طریق پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در بودجه سالانه دستگاه‌های مربوطه اقداماتی پیش بینی شده است از جمله: انسداد الکترونیکی و فیزیکی مرز، تقویت و توسعه زیر ساخت‌ها و مشارکت دهی مرز نشینان در طرح‌های امنیتی بندهایی تصویب شده است. اما باید ببینیم با انسداد مرز چه جایگزین بدیل برای مردم مناطق مرز نشین جهت امرار معاش توسط دولت و حاکمیت اندیشیده شده است؟ و یا چه راهکارهایی جهت ساماندهی مرز جهت جلوگیری از قاچاق به خصوص قاچاق کالا و سوخت تصویب و تدوین شده است؟ در پاسخ باید گفت که با توجه به حجم روز افزون قاچاق انواع کالا به خصوص سوخت به خارج مرزها اقدامات موثری صورت نگرفته و تنها اقدام قانونی و اجرا شده توسط دولت در مناطق مرز نشین طرح «رزاق» می‌باشد.

ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز «طرح رزاق» را که مصوبه تیرماه سال ۱۳۹۹ اعضای ستاد بوده و جهت اجرا توسط رئیس جمهور ابلاغ شده است، با همکاری استانداری، سپاه و وزارت نفت در منطقه سیستان و شهر سراوان در استان کلید زد؛ در اجرای این طرح آزمایشی، به هر خانوار مرزنشین در هفته ۲۰۰ لیتر گازوئیل با نرخ مناسب (بالا تر از نرخ سهمیه معمول - پایین تر از نرخ در بازار مقصد) اختصاص می‌یابد و هر خانوار می‌تواند سهمیه خود را در جایگاه‌های تعبیه شده که ۵ کیلومتر با مرز فاصله دارد توسط خودرویی ایمن (که پلاک آن نیز در طرح ثبت شده است) تحویل گرفته و از طریق معابری که تعیین شده، به پاکستان منتقل و در آنجا بفروش برساند. با این کار ضمن حمایت از معیشت خانوارهای مرزنشین، آسیب‌های ناشی از انتقال غیرقانونی سوخت به خارج از کشور نیز از بین می‌رود و قاچاق سازمان یافته نیز کنترل می‌شود. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹)^۱

۱. <https://www.mehrnews.com/news/5155547>

در قالب طرح رزاق مرزنشینانی که در ۲۰ کیلومتری مرز زندگی می‌کنند، شناسایی و برای آنها کارت رزاق صادر می‌شود تا سوخت قانونی دریافت کنند. افراد شامل طرح باید ایرانی متأهل فاقد شغل و فاقد درآمد باشند و به مدت ۵ سال در روستای مورد نظر سکونت داشته باشند. برای هر کارت رزاق اجازه ورود و خروج یک خودرو از مرز داده شده است که معیشت ۵ خانواده از آن تأمین می‌شود. در قالب این طرح و با این کارت‌ها، یک نفر به نمایندگی یا با کرایه هفتگی کارت، از صاحبان آن به خرید قانونی سوخت از دولت می‌پردازد. همچنین سوخت را با خودروهای وانت بار معمولی دارای مشک مخصوص (جنس پلاستیک) سوخت که هرکدام حدود ۳ هزار لیتر گنجایش دارد، از گذرگاه‌های قانونی به پاکستان منتقل کرده و آن را به فروش می‌رساند.

با همکاری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، وزارت نفت، وزارت کشور (استانداری‌ها) و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصمیم گرفته شد تأمین سوخت و احداث جایگاه سوخت در منطقه توسط وزارت نفت انجام شود تا مردم مرزنشین بتوانند به صورت قانونی اقدام به نقل و انتقال سوخت بنمایند. وزارت نفت مکلف شده بود روزانه ۵ میلیون لیتر گازوئیل از طریق شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در جایگاه‌های سوخت طرح رزاق تأمین و توزیع کند. که به هر دلیلی متأسفانه تأمین نمی‌شود. (خبرگزاری همشهری، ۱۴۰۱) با اجرای طرح بسیاری از خانواده‌هایی که در مناطق مرزی که طرح در حال اجرا است ماهیانه مبلغ قابل توجهی توانستند درآمد کسب کنند اما طرح در عین آثار مثبت برای خانواده‌های فقیر، دارای ایرادات و آسیب‌های متعددی می‌باشد که به آنها به صورت مختصر اشاره می‌کنیم.

طرح رزاق با هدف مقابله با خروج غیرقانونی سرمایه کشور، جلوگیری از حوادث جاده‌ای و قانونمند کردن فروش سوخت در نقاط مرزی به اجرا درآمده است تا از این طریق ضمن ساماندهی مرز، اشتغال پایدار برای مرزنشینان ایجاد شود. اما با توجه به عدم تأمین سوخت مورد نیاز طرح توسط وزارت نفت، این حجم عظیم سوخت توسط سوخت‌بران غیرقانونی و به صورت قاچاق تا مبادی ورودی حمل می‌شود. به‌گونه‌ای که روزانه صدها خودروی سوخت بر بدون رعایت ضوابط ایمنی و با سرعت بسیار زیاد در جاده‌های استان به خصوص محور زاهدان - سراوان تردد می‌کنند که همین امر باعث وقوع تصادفات و انفجارات وحشتناکی که ناشی از برخورد این خودروها با مردم عادی و

۱. <https://www.hamshahrionline.ir/news/691386>

خودروهای دیگر است،^۱ می‌شود. علی‌رغم اینکه طرح شامل افرادی با سابقه سکونت ۵ ساله و عدم درآمد ثابت می‌باشد اما عملاً تمام افراد دارای رانت از آن بدون در نظر گرفتن مقدار درآمد سرانه و اشتغال آنها از آن بهره‌مند می‌باشند و حتی افراد قدرتمند و ثروتمند صاحب نفوذ علاوه بر خانواده خویش برای خویشان و آشنایان خویش اقدام به اخذ کارت طرح رزاق نمودند.^۲ از دیگر معایب این طرح آسیب‌های جدی که به مناطق مرزی و به استان وارد می‌شود، می‌توان به ایجاد مشاغل کاذب در دراز مدت اشاره کرد که افراد وابسته به نوعی جذب اشتغال کاذب می‌شوند و هیچ‌گونه اشتغال‌زایی و انگیزه کاری در این افراد ایجاد نمی‌شود و این امر نه تنها منجر به فقرزدایی پایدار نمی‌شود بلکه خود نوعی فقرزایی است. در واقع می‌توان گفت در صورت متوقف شدن اینگونه طرح‌ها و مصوبات منجر به فقیرشدن افرادی که تنها راه امرار معاششان از این طریق بوده، بشود و همچنین در حیطه‌های فرهنگی و آموزشی در مناطق مرزی برای مثال مرز جالق سراوان شاهد ترک تحصیل دانش‌آموزان این نواحی نه تنها در در دوره‌های دوم متوسطه بلکه در مقاطع ابتدایی در پایه‌های پنجم و ششم و روی آوردن آن‌ها به قاچاق سوخت هستیم و این‌گونه پول پاشی در درازمدت به روحیه ایجاد کار و فعالیت افراد صدمه بزرگی وارد خواهد کرد و چه بسا باعث پرورش افراد دست‌دراز و دهان باز می‌شود که منتظر لقمه آماده بر سر سفره‌های خود هستند.

برخی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که شیوه معیشت و اقتصاد قاچاق، نوعی اقتصاد مافیایگونه هست؛ بدین معنی که سود قاچاق سوخت و کالا بیشتر در جیب گروه اندکی هست و معتقدند که این گروه‌ها اکثراً سازمان یافته و قابل شناسایی هستند:

من معتقدم که عامه مردم قادر نیستند ۹ میلیون لیتر سوخت را قاچاق کنند. این حجم از قاچاق نشان از این دارد که گروه‌های سازمان یافته و مافیا در این استان وجود دارد و این گروه با قاچاق سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند. همچنین من معتقدم که شناسایی این گروه‌ها کار چندان سختی

۱. غالب این خودروها وانت با موتور تقویت شده هستند، البته خودروهای سواری به مانند پژو و پراید نیز گاهی به امر قاچاق سوخت مبادرت می‌کنند که سوخت مورد نظر خویش را در پلاستیک‌های ضخیم که در اصطلاح عامیانه مشک نامیده می‌شوند حمل می‌کنند. که با توجه به مایع بودن سوخت و حملات در کیسه‌های پلاستیکی و عدم تعادل خودرو به خصوص در سرعت‌های بالایی که در جاده‌های کم عرض و دو طرفه استان تردد می‌نمایند به زعم نگارنده بمب‌های متحرکی می‌باشند که در عمل سلامت جسم و روان سرنشینان و دیگر افراد جامعه را به خطر می‌اندازند.

۲. با توجه به اطلاعات میدانی و مصاحبه‌های نگارنده با افراد بومی یکی از این افراد دارای حداقل ۱۸۰ کارت می‌باشد که در برخی موارد درآمد فرد مورد نظر از هر کارت طرح رزاق ماهیانه ۳۰ میلیون تومان می‌باشد.

نیست و اگر نگاهی به گذرگاه‌های مرزی شود می‌توان به راحتی این گروه‌ها را مورد شناسایی قرار داد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد که عوامل زیادی باعث به وجود آمدن این نوع اقتصاد در استان سیستان و بلوچستان شده است و معتقد است که پایین بودن سطح کیفیت زندگی خانوار مناطق مرزی و فقدان کافی برای امرار معاش قانونی در این مناطق اصلی‌ترین عامل می‌باشد. ایشان اعتقاد دارد که قاچاق به‌عنوان شغل آسان و پردرآمد هم از جمله عوامل دیگری می‌باشد که در به وجود آمدن این شرایط در استان تأثیرگذار است. این مشارکت‌کننده ادراک خود را به این شکل بیان می‌کند.

«در استان‌مان نوعی اقتصاد شکل گرفته است که محور اصلی‌اش قاچاق و به خصوص قاچاق سوخت می‌باشد. در گذشته هم این نوع اقتصاد در استان‌مان حاکم بوده است. عوامل متعددی در به وجود آمدن این نوع اقتصاد دخیل هستند که به نظرم مهمترین آن پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی می‌باشد. همچنین عوامل دیگری هم تأثیرگذار هستند که می‌توان به قاچاق به‌عنوان شغل آسان و پردرآمد و توزیع ناعادلانه امکانات و دور بودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور اشاره کرد».

برخی از مشارکت‌کنندگان به شدت نسبت به این طرح بدبین بوده و آن را در جهت رسیدن به منافع افراد و نهادهای دست اندرکار طرح می‌دانستند:

«این جور طرح‌ها بیشتر به نظرم تبلیغاتی هست اما واقعیت امر این هست که یک طرحیه یک مدت اجرایی میشه و در نهایت به بن‌بست می‌رسه افراد صاحب نفوذ و نهادهایی که متولی‌اش هستند به درآمد سرشاری از قبل این طرح می‌رسند در واقع برای اینکه خودشان به منافع برسند یک امتیاز به مردم محلی هم می‌دهند.»

۱-۳. عدم استفاده بهینه از مبادلات مرزی به مثابه فرصت اقتصادی

تجارت موتور محرکه رشد و توسعه کشورهاست و کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به پیشرفت ضروری است به‌دنبال حضوری جدی‌تر در تجارت جهانی باشند از جمله روش‌های نقش‌آفرینی در تجارت جهانی، گسترش مبادلات بین مناطق مرزی است. گسترش اینگونه مبادلات فواید زیادی برای کشورها دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها به ایجاد اعتماد و کاهش تنش در مرز این کشورها می‌توان اشاره کرد. (رازینی و باستانی؛ ۱۳۸۲: ۱۷-۱۰)

مبادلات اقتصادی و تجاری یکی از فاکتورهای مهم در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز تأمین معیشت مردم مرزنشین می‌باشد و از این طریق مردم ساکن در نواحی مرزی می‌توانند در کنار یکدیگر و با استفاده از فرصت‌ها و منابع موجود به رشد و ثبات اقتصادی و امنیتی کمک نمایند. اقدامات تجاری پویا و مبادلات مرزی به شکل بسیار موثری می‌توانند نقش اساسی در ترقی و پیشرفت و همچنین توسعه پایدار در اقتصاد نواحی مرزی و بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمدها، ایجاد روابط دوستی و جلوگیری از مهاجرت ایفا کنند.

بسیاری از حکومت‌ها در سراسر جهان از یک سو در پی تأمین امنیت مرزهای خود، جهت جلوگیری از مهاجرت‌های ناخواسته، جرائم و تحرکات منفی دیگر هستند و از سوی دیگر، در تلاش برای به حداکثر رساندن فرصت تعاملات مطلوب فرامرزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی می‌باشند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۶۷-۱۲۸). تجربیات کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین حقوقی می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های مرزی بین منطقه‌ای، ایجاد سودهای - تجاری، کاهش قیمت کالاها، همگرایی میان عرضه و تقاضا و ایجاد درآمد، اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد. (محمودی، ۱۳۸۹: ۱۸۶ - ۱۶۱)

در همین راستا و در جهت استفاده مطلوب از مرزهای کشور در بند ۲۰۴ ماده ۴ سند آمایش سرزمین ارزش افزایی اقتصادی منابع موجود در مناطق دورافتاده، صعب‌العبور، حاشیه‌ای و مرزی و ارائه مشوق‌ها و تسهیل جذب سرمایه‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی در استقرار فعالیت‌های جدید بویژه در مناطق مرزی تأکید شده است. همچنین در ماده چهارم همین سند سیاست‌هایی در خصوص بهبود روابط تجاری و گسترش آنها در مناطق مرزی تدوین و تصویب شده است من جمله:

بند ۷: تقویت زیرساخت‌های اتصال شهرهای مرزی به بازارها و مراکز توزیع و تأمین کالا و محصولات در دو سوی مرز.

بند ۹: توسعه زیرساخت‌ها و توانمندی‌های ارائه خدمات علمی، آموزشی و درمانی به شهروندان کشورهای همسایه در شهرهای استان‌های مرز.

بند ۲۹: تقویت نقش مؤثر ایران در توسعه و تجاری‌سازی گذرگاه‌های ترانزیتی منطقه برای دستیابی به بازارهای هدف من جمله:

محورهای ارتباطی مرزهای شرقی به محورهای اصلی و نقاط سکونت‌گاهی مهم در افغانستان و پاکستان.

بند ۳۱: مدیریت یکپارچه مبادی مرزی و تسهیل فرآیندها و رویه‌های ترانزیتی در راستای آزادسازی تجارت.

یکی از مزایای نسبی استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از استان‌های مهم مرزی کشور ترانزیت کالا و تجارت آن به کشورهای همسایه از جمله پاکستان و افغانستان است. طبق آمار از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا اسفند ماه همان سال ۱/۴۱ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی از مرزهای استان صورت گرفته است (تجارت نیوز، ۱۴۰۱) که صادرات کل کشور در دوره مشابه ۴۵/۳ میلیارد دلار بوده است (خبرگزاری تسنیم ۱۴۰۱).^۱ بنابراین نزدیک به ۳/۲٪ از کل صادرات کشور از مبادی گمرکی و بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است. این امر نشان دهنده این موضوع است که علی‌رغم رشد صادرات غیر نفتی نسبت به سال‌های قبل از پتانسیل مرزهای استان بنا به دلایلی کمتر از میزان بالقوه آن استفاده شده است. یکی از دلایل این امر عدم توازن جدی در تعداد مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی بین غرب و شرق کشور است که این امر باعث ادامه ناامنی و همچنین عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های مرزهای شرق کشور شده است. یکی از علل عدم توسعه مرزها در شرق کشور وجود نگاه امنیتی به استان در طول سال‌های گذشته که حتی به انسداد مرزها و دیوار کشی در طول مرز نیز انجامیده است، بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل‌های موجود مبادلات تجاری و ترانزیت کالا در استان عملاً، حجم مبادلات تجاری صورت گرفته از مرزهای استان قابل توجه نیست و می‌توان آن را یکی از مسائل اصلی استان قلمداد نمود که در صورت حل آن، ارزش افزوده استان افزایش یافته و مسئله بیکاری استان نیز تا حدودی مرتفع می‌گردد در صورت بهبود وضعیت تجارت و ترانزیت کالا از مرزهای استان، معیشت مرزنشینان نیز بهبود یافته و از مهاجرت آنها به حاشیه شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل خواهد آمد. این امر هم از نظر امنیت مرز و هم از نظر مسائل و آسیب‌های اجتماعی احتمالی ناشی از حاشیه نشینی این افراد، دارای اهمیت بسزایی است. با توجه به مسئله جدی کم آبی در استان بهره‌گیری از این مزیت نسبی استان یعنی مرز باید یکی

۱. <https://tejaratnews.com> - و

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/12/09/2859784/>

از اولویت‌های اصلی توسعه در این استان باشد. در واقع یکی از موتورهای اصلی رشد و توسعه در استان می‌تواند تجارت و ترانزیت کالا از مرزهای استان باشد. (رمضان‌خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۳-۴)

اما علی‌رغم تاکید قانونگذار در ایجاد زیرساخت‌ها و توسعه متوازن مناطق روستایی و محروم کشور به خصوص در سند ملی آمایش سرزمین و برنامه‌های پنج ساله توسعه^۱؛ نبود زیرساخت‌های مناسب مانند جاده، مراکز درمانی، آموزشی و حتی آب شرب در مناطق مرزی معضل‌های جدی هستند که این مناطق را خالی از سکنه و مهاجرت همه روزه به شهرها به‌طور گسترده مواجه کرده است. نبود جاده‌های ارتباطی در مناطق مرزی و یا جاده‌های غیر ترانزیتی و فرسوده از جمله چالش‌های جدی است که خطرات جانی بسیاری ساکنان مناطق مذکور را تهدید می‌کند. در صورت فراهم آوردن زیرساخت‌های مرزی شرایط مطلوب‌تری جهت استفاده از فرصت‌های مناطق مرزی و تبادلات برون مرزی فراهم خواهد شد. عدم ساماندهی این تعاملات از طرفی و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرز نشین و نبود تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی بین روستاهای مرزی و مرکز از طرف دیگر، تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه فضایی در مناطق مرزی بر جای می‌گذارد، به گونه‌ای که مکان‌های جمعیتی حاشیه مرز را در انزوای اجتماعی - اقتصادی و ملی قرار داده است. (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۶)

اکثریت قریب به اتفاق مشارکت کنندگان در تحقیق، مرز و مبادلات مرز را ظرفیت و فرصتی برای استان می‌دانند که اگر به صورت صحیح و اصولی از این پتانسیل استفاده شود می‌توان فقر را در منطقه ریشه کن کرد اما با شیوه نادرست مدیریتی و حتی گاه‌گاه‌عامدانه این ظرفیت تبدیل به چالش و تهدید شده است.

اگر یک مدیریت به اصطلاح کارآمدی وجود داشته باشد از مزیت مرز می‌توان استفاده بکنند شما فقط چابهار رو در نظر بگیرید بقیه مرز پاکستان افغانستان رو بنادر کنار فقط چابهار را در نظر بگیرید به‌عنوان یک منطقه ورودی و خروجی که بتونه افغانستان را به دریا متصل کنه نه تنها استان سیستان و بلوچستان بلکه استان‌های هرمزگان، کرمان و خراسان جنوبی که مناطق فقیر ایران هستند رو می‌تونه پوشش بده و فقر رو ریشه کن کنه در این منطقه بلکه می‌تونه در سطح کلی مملکت تأثیر مثبت بذاره.

۱. بند ۷۸ و ۹ ماده ۴ سند ملی آمایش سرزمین و بخش پنجم برنامه پنج ساله ششم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ماده ۲۶ و ۲۷.

یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه ادراک خود را بدین صورت بیان می‌کند:

توی کشورهای توسعه یافته و پیشرفته، مرزها و مردمان مرز نشین از بضاعت بیشتر و بهتری برخوردارن چرا چون اونها هستند که دارن از مرز حفاظت می‌کنند. حفاظت از مرز فقط با چهار تا سرباز و تفنگ نیست و حفاظت از مرز به عهده مرز نشینان است توی کشورهای دیگه که میرین مرز نشینان را در شرایط خوبی از اونها مراقبت میشه به لحاظ امکانات رفاهی، مادی آموزشی، تفریحی، اینقدر اونها غنی هستند که از مرزشون به خوبی نگهداری کنند در کشور ما برعکس از خوزستان بگیر فقر و فلاکت و استانی که ۸ سال جنگیده، دلم میخواد برین ببینند توی چه فقری‌اند کردستان که مرز ماست سیستان و بلوچستان ما رو نگاه بکنید به چه خاک سیاهی نشسته‌اند اینا کاملاً آگاهانه است.

مشارکت‌کننده دیگری نیز به همین امر اذعان دارد:

«من می‌گم مرزها فرصت هستند. ولی ما متأسفانه از این فرصت‌ها نتوانستیم استفاده بکنیم. ما اگر با تدبیر و مدیریت عمل کنیم بسیاری از کارها و برنامه‌هایی که برای کشور همسایه لازم است باید کارشناسی بشود و در این مناطق آنها را ایجاد کنیم. کشور همسایه ما چه چیزی نیاز دارد که ما داریم و چه چیزی دارد که ما به آن نیاز داریم. بنابراین مردم منطقه می‌توانند آن نیازها را اینجا بسازند و برای اینجا سوددهی داشته باشند. یا چه چیزی را می‌شود از اون کشور وارد کرد و با ارزش افزوده به سایر مناطق کشور فرستاد. این‌ها کارهایی هستند که فرصتند ولی ما با غفلت داریم این را می‌گذرانیم و با سوء مدیریت می‌کنیم که در استان داریم این فرصت‌ها دارد به باد فنا می‌رود.»

۴-۱. سیاست‌های اقتصادی نامطلوب کشورهای همجوار در رابطه با مرز

از میان همسایگان شرقی، افغانستان از زمان حمله شوروی تاکنون درگیر جنگ بوده و تنها در سالیان اخیر اوضاع سیاسی داخلی آن کمی بهبود یافته است اما هنوز هم با چالش‌های جدی از جمله قدرت‌گیری دوباره طالبان و القاعده، فقر عمومی، تروریسم و ناامنی عمومی و آشفته‌گی اقتصادی روبروست. موارد مذکور سبب افزایش تولید مواد مخدر در این کشور شده است، تجارت و ترانزیت مواد مخدر از خاک پاکستان به ایران سبب نابسامانی‌های امنیتی در مناطق مرزی ایران و پاکستان شده و دامنه‌ی آن به نواحی داخلی نیز کشیده می‌شود. پاکستان نیز از آغاز استقلال تاکنون ادامه‌ی بقا و موجودیت سرزمینی آن با مسائل و مشکلات متعددی روبرو بوده است. علاوه بر مسائل ارضی و مرزی این کشور با هند در منطقه‌ی کشمیر که اختلافات عمیقی را در روابط دو کشور سبب شده

است، اختلافات سرزمینی با افغانستان در مورد خط مرزی دیوراند، خطی که همواره مورد اعتراض و ادعای افغانستان بوده (احدی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) و بی‌قانونی در مناطق قبایلی کشور، همچنین جنبش‌های جدایی طلب در ایالت بلوچستان پاکستان که از آغاز موجودیت پاکستان فعال بوده و تاکنون ۵ مرحله درگیری نظامی را در پی داشته مواجه بوده است. (ترحمی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض بسیاری از تبعات و عواقب نابسامانی اوضاع پاکستان و افغانستان به‌ویژه در مناطق همجوار قرار دارد که نمود آن را در نفوذ تروریست‌ها از داخل پاکستان به ایران، ورود عقاید سلفی و بنیادگرایی از مدارس دینی این کشور به شرق کشور، عدم کنترل مرزهای پاکستان و هجوم آوارگان و قاچاقچیان به داخل ایران و عدم توجه و همکاری در طرح‌های مشترک نظیر بازارچه‌های مرزی و نظایر آن می‌توان مشاهده کرد.

در سند توسعه استان در برنامه چهارم توسعه در بند «ج» قسمت مسائل اساسی استان در خصوص همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان چنین آمده است: «موقعیت استان به عنوان گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان به‌عنوان زمینه‌ساز ناامنی و تردهای غیرمجاز از مرزهای استان و مانع برقراری امنیت و انباشت سرمایه و گسترش فعالیت‌های غیر رسمی اقتصادی» با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که وجود مرز گسترده مشترک با بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده مواد مخدر در جهان (افغانستان) و بزرگ‌ترین واردکننده و صادرکننده مواد مخدر (پاکستان) و فقدان سازوکار مناسب در جهت کنترل مرزها، از جمله عوامل دیگری می‌باشد که در افزایش فقر و ناامنی، تأثیر زیادی دارد. تحلیل و واکاوی مصاحبه‌ها نیز همین امر را تأیید می‌کند.

در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد که وجود مرز و ترانزیت مواد مخدر محرکی برای عدم ارتقای کیفیت زندگی و مانعی برای فقرزدایی به حساب می‌آیند:

«بینید دو کشوری که همسایه‌مون هستند یکی اصلی‌ترین تولید کننده مواد مخدر هست و یکی صادرکننده مواد مخدر. این وضعیت باعث شده است که مرزهای استانمان اصلی‌ترین محل برای ترانزیت و حمل مواد مخدر شود. زیاد می‌شنویم که در فلان مرز استان بین نیروهای انتظامی و گروه‌های مواد مخدر درگیری شده است و فلان و فلان. این وضعیت باعث شده است که در این استان این کسب و کارها رونق پیدا کند و گروه‌های زیادی جذب این گروه‌ها شوند.»

یکی از مشارکت‌کنندگان به موضوع توسعه نیافتگی کشورهای همسایه اشاره می‌کند: همجواری مرزی و نگاه در مورد اینکه فرصت باشد یا تهدید بستگی دارد که شما همسایه گرفتار داشته باشید یا همسایه توسعه یافته مرز ایران با افغانستان و پاکستان خیلی مرزامنیتی و خطرناکی هست. چون گروه‌های تروریستی در افغانستان آموزش می‌بینند و پاکستان با مدارس دینی تندروی که انجام می‌دهند.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان ادراک خود را بدین صورت بیان می‌کند: معلومه که فقر در مناطق مرزی طبیعی نیست. بستگی دارد که شما همسایه گرفتار داشته باشید یا همسایه توسعه یافته مرز ایران با افغانستان و پاکستان خیلی مرز امنیتی و خطرناکی هست. چون گروه‌های تروریستی در افغانستان آموزش می‌بینند و پاکستان با مدارس دینی تندروی که وجود دارند و همچنین قاچاق سوخت، اگر همسایه‌های ما کشورهای توسعه یافته‌ای می‌بودند وضع ما خیلی فرق می‌کرد. دوستانی من در ارومیه دارم که تعریف می‌کردند تعداد پروازهای ارومیه به ترکیه و آذربایجان خیلی بیشتر از پروازهای داخلی به نقاط داخلی ایران هست و این مراودات در فرهنگ آن منطقه تأثیر خیلی زیادی گذاشته یعنی مراودات فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های دنیای مدرن را وارد فرهنگ مردم آن سامان کرده و این در جهت توسعه کمک کرده است.

۲. ظرفیت‌های اداری مرز جهت فقرزدایی

شناسایی ظرفیت‌های مناطق مرزی و استفاده از منابع موجود و به‌کارگیری افراد بومی و محلی می‌تواند در جهت رفع فقر و ایجاد اشتغال و همچنین جمعیت‌پذیری مناطق مرزی تأثیر به‌سزایی داشته باشد همانطور که در بررسی برنامه‌های توسعه پنج ساله پس از انقلاب نیز از اولویت‌های کشور در زمینه رفع و کاهش همه جانبه فقر در مناطق مرزی مواردی مطرح شده است. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. استفاده از ظرفیت صنعت و معدن استان

اصل رقابت‌پذیری در دنیای امروز، وجود و لزوم برنامه‌ریزی صحیح برای استفاده از سرمایه و منابع محدود و تخصیص بهینه منابع در جهت استفاده از مزیت‌های نسبی را بیش از پیش تقویت می‌کند. یکی از وظایف اصلی حاکمیت، شناخت مزیت‌های نسبی مناطق مختلف و ایجاد زیرساخت‌ها جهت هدایت درست سرمایه‌ها و منابع برای تولید ثروت و ارزش افزوده از مزیت‌های موجود و تبدیل این

مزیت‌ها به مزیت‌های رقابتی است و تمامی این اهداف محقق نمی‌شود مگر در سایه شناخت دقیق و درست پتانسیل‌های نقاط مختلف کشور در عرصه‌های گوناگون یکی از مهمترین بخش‌ها در استان بخش صنعت و معدن است.

استان سیستان و بلوچستان با دارا بودن ۲۸ شهرک و ناحیه صنعتی، ۱۰۸ معدن و یک میلیارد و صدمیلیون تن ذخایر شناسایی شده معدنی، پتانسیل بسیار بالایی را در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی در بخش صنعت و معدن دارا می‌باشد. (روشن، رضا: ۱۳۹۴) با بررسی اسناد نیز به اهمیت ایجاد و استقرار صنایع در مناطق مرزی پی می‌بریم چنانچه در ماده چهارم، بند یازدهم سند ملی آمایش سرزمین به ساماندهی و استقرار صنایع کشور و شکل دهی به زنجیره فعالیت‌های صنعتی در مناطق مرزی تاکید شده است.

یکی از مشارکت‌کنندگان نیز اعتقاد دارد که در صورت استفاده از ظرفیت صنعت، شاهد کاهش چشمگیر فقر خواهیم بود:

در هیچ کدام از شهرها صنعت، کارخانه و حتی کارگاه زود بازده‌ای وجود ندارد. بنابراین من احساس می‌کنم که اصلی‌ترین عامل عدم صنعتی شدن استان است که در صورت ایجاد مراکز صنعتی شاهد کاهش چشم‌گیر فقر خواهیم بود.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز در این زمینه معتقد هست که یکی از عوامل برجسته‌ای که نقش پررنگی در محرومیت و بیکاری و به تبع آن افزایش فقر دارد، عدم وجود مراکز صنعتی و عدم جذب نیروی کار در منطقه در مراکز صنعتی و استفاده از ظرفیت بالقوه معادن در مناطق مرزی می‌باشد:

تا حدودی در رابطه با فقر و ناامنی در استان سیستان و بلوچستان و به خصوص مناطق مرزی‌اش مطالعاتی داشته‌ام و در این موضوع اعتقاد دارم که عدم وجود مرکز صنعتی و کارگاه‌های زود بازده در این مناطق و محرومیت زیاد نقش زیادی در به وجود آمدن این شرایط دارد. من اعتقاد دارم که اگر مراکز صنعتی در این مناطق رواج پیدا کند، و دولت در زمینه معادن استان سرمایه‌گذاری کند خیلی از جوانان جویای کار در این مراکز مشغول به کار می‌شوند و دیگر سراغ قاچاق نمی‌روند.

۲-۲. ایجاد بازارچه‌های مرزی

آمار صادرات غیرنفتی طی چند سال گذشته حاکی از آن است که میزان صادرات طی سال‌های اخیر روبه رشد بوده و سهم بازارچه‌های مرزی نیز در این فرآیند روبه فزونی بوده است. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی این استان به دو بازار بسیار بزرگ این میزان از صادرات غیرنفتی سالانه از مرزهای استان، بنا به دلایلی کمتر از میزان بالقوه آن است. یکی از دلایل این امر، عدم توازن جدی در تعداد مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی بین غرب و شرق کشور است که این امر باعث ادامه ناامنی و همچنین عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های مرزهای شرق کشور شده است. (رمضان‌خواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۳)

بازارچه‌های مرزی می‌توانند ظرفیت‌های خوبی جهت فقرزدایی در مناطق مرزی و جایگزین مناسبی برای اقتصاد مبتنی بر قاچاق که خود از علل فقر می‌باشد، باشند. در خصوص توسعه و تجهیز بازارچه‌های مرزی در شهرستان‌های چابهار، سراوان، میرجاوه، سرباز، زابل، نیمروز و هیرمند در سند توسعه استان فصل هفتم (قسمت بازرگانی) اشاره شده است.

همچنین در بند ۱۳ و ۱ ماده ۱۵ سند توسعه استان به افزایش سهم مبادلات بنادر و تقویت نقش بازارچه‌های رسمی و بهره‌گیری از ظرفیت بازارچه‌های مرزی ریمدان، کوهک، گمشاد و میلک و انجام مبادلات مرزی برخی از کالاها برای تأمین احتیاجات روزمره و مصارف خانوادگی مرزنشینان در چارچوب مقررات خاص، تدوین مقررات خاص و ویژه برای مناطق تجاری ویژه و بازارچه‌های مرزی و ایجاد و افتتاح مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی بیشتر به منظور تسهیل در امر تجارت، بازرگانی و صادرات در خصوص استفاده از ظرفیت مرز در جهت رفع فقرزدایی تاکید شده است. در بازارچه‌های مرزی استان، اگر زیرساخت‌ها و تمهیدات لازم برای استفاده بهینه از این‌گونه بازارچه‌ها از طرف دولت فراهم شده باشد، کمک شایانی به رشد اقتصادی مناطق مرزی و کاهش فقر در این مناطق خواهد شد. اما با تحقیقات انجام شده در مرز کوهک که در ۵ کیلومتری روستای کوهک از توابع بخش بم پشت شهرستان سراوان قرار دارد، این بازارچه در شهر سراوان و مناطق روستایی نه تنها باعث ایجاد رونق اقتصادی و فقرزدایی نگردیده است، بلکه باعث دارای آسیب‌ها و خطرات بسیاری برای ساکنان این مناطق بوده است. برای مثال جاده برای عبور کامیون‌ها و تریلی‌هایی که به سمت این بازارچه در حرکتند بسیار باریک و جاده مجزای خاص ترانزیت نمی‌باشد و همه روزه در آن

مناطق شاهد تصادفات مرگبار هستیم. همچنین سود این ترانزیت عاید صاحبان ثروت و قدرت می‌شود و عامه مردم، خصوصاً افراد فقیر از آن محرومند.

اکثر مشارکت‌کنندگان مرز و بازارچه‌های مرزی را فرصت بسیار مغتنمی جهت رشد و توسعه و رفع فقر و محرومیت مناطق مرزی می‌دانند. گرچه تا به حال آنچنان که باید استفاده مطلوبی از آن‌ها صورت نگرفته است.

یکی از مشارکت‌کنندگان ادارک خود را بدین شکل بیان می‌کند:

مسلماً مرز یک فرصت است به نظر من این که مرز را تهدید می‌دانند یک امر تحمیلی است در حالی که در اکثر نقاط جهان، مناطق بندری شهرهای بندری و شهرهای مرزی به دلیل تبادل کالا، ترانزیت و تجارت مرزی جزء ثروتمندترین مناطق کشورشان هستند.

متأسفانه زیر ساخت‌های مورد نیاز در مناطق مرزی به خصوص مناطقی که بازارچه‌های مرزی دایر می‌باشند، وجود ندارد. به‌طور مثال در بازرسی از بازارچه مرزی کوهک سراوان در گزارش سند محرومیت‌زدایی و توسعه بلوچستان این مورد به وضوح بیان شده است: «در بازرسی انجام شده از بازارچه کوهک، بی‌نظمی و نابسامانی در نحوه فعالیت و خدمات‌رسانی دستگاه‌های مستقر در بازارچه موصوف کاملاً مشهود بوده و کوچکترین آثاری که حکایت از برقراری نظم و اعمال مدیریت در سطح بازارچه داشته باشد، مشاهده نشد. اکثر رانندگان به دلیل فقدان یک برنامه منظم در گمرک، چندین روز در سطح شهرستان سراوان سرگردان بوده و سپس برای تخلیه بار به مسیر بازارچه فرا خوانده می‌شوند و تمامی رانندگان حداقل به مدت سه شبانه‌روز در محور منتهی به بازارچه که اتفاقاً در منطقه بیابانی و کویری نیز واقع شده است، بدون وجود کمترین زیرساخت، امکانات و تسهیلات رفاهی، سرویس بهداشتی و حتی امکان تأمین آب و غذا، سرگردان می‌باشند. در این شرایط نامناسب، گمرک به‌عنوان مسئول اعمال مقررات صادرات و واردات و نظارت بر رعایت آن‌ها، صرفاً برای (۳) تا (۴) ساعت و به‌طور میانگین روزانه تعداد (۸۰) دستگاه کامیون را پذیرش می‌نماید (استانداری سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۹۸). در صورت اجرای قوانین تصویب شده و نظارت دقیق می‌توان از ظرفیت این بازارچه‌ها در جهت رونق اقتصادی مناطق مرزی و رفع فقر بهره برد.

۲-۳. تعاونی‌های مرزنشینان

اقتصاد مناطق مرزی و مردم مرزنشین علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی دیگر همچون دامداری و کشاورزی بیشتر وابسته به مرز می‌باشد. به‌صورتی که سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از

طریق مبادلات مرزی تأمین می‌شود. این گونه مبادلات علی‌رغم غیر رسمی و محلی بودن آن نقش پر اهمیتی در مبادلات میان کشورهای همسایه داشته و باعث بهبود زندگی افراد ساکن در مناطق مرزی می‌شود. چنانچه فعالیت‌های مرتبط با مرز ساماندهی و راهکارهای قانونی اندیشیده شود، می‌تواند در رونق اقتصادی مناطق مرزی و افزایش توان اقتصادی مرزنشینان مؤثر باشد. در مجموع اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقش اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی بهبود استانداردهای زندگی مردم کاهش فقر توزیع مناسب درآمد ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد (۱۴۵: ۲۰۰۴؛ Chandoevrit و مراتب، ۱۳۸۴: ۲) شواهد نشان داده هر زمان تسهیلات مربوط به این مناطق کاهش یافته و کار مبادلات رونق خود را از دست داده است. این امر مهاجرت، قاچاق و گرایش به تجارت مواد مخدر و ناامنی را در پی داشته است. (عسگری و همکاران؛ ۱۳۶۹، به نقل از احمدی؛ ۱۳۹۶: ۳۳)

همچنین با توجه به تأکید سیاست‌گذاران اقتصادی کشور بر لزوم استفاده بیشتر از بخش تعاونی و از طرفی لزوم توسعه متوازن مناطق مختلف کشور اهمیت و نقش تأثیرگذاری تعاونی‌های مرزی به روشنی قابل لمس است.^۱

شرکت تعاونی مرزنشینان؛ شرکتی است که با عضویت ساکنان مناطق مرزی کشور، به منظور تأمین نیازمندی‌های آنان بر اساس قانون بخش تعاونی تشکیل و ثبت می‌شوند و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مبادلات مرزی مجاز به انجام مبادلات مرزی برای عضو و غیر عضو در حوزه فعالیت شرکت می‌باشند. (تبصره ماده ۱ اساسنامه شرکت تعاونی مرزنشینان)

بنابراین جهت بهره‌مندی مناسب‌تر از مبادلات مرزی شرکت تعاونی مرزنشینان در مناطق مرزی با هدف جهت‌دهی به فعالیت مرزنشینان از قاچاق کالا به سمت تجارت سالم؛ امکان تأمین مناسب مواد غذایی و کالاهای ضروری در مناطق مرزی؛ پیشگیری از مهاجرت و توقف تخلیه جمعیتی این

۱. اصل قانون اساسی «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است...».

ماده ۲۰۴ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران «در راستای ارتقاء و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی. دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می‌آورد...»
و همچنین ماده ۷۱ و بند پ ماده ۷۴ و... قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

مناطق؛ بهبود وضعیت معیشت مردم منطقه از طریق تجمع تشکل مرزنشینان و تعاملات درون منطقه‌ای و مبارزه با گرانی و تورم مواد غذایی ایجاد شدند. (جمعه پور و طالبی؛ ۱۳۹۱:۱)

اولین قانون مبادلات مرزی جهت مرزنشینان در سال ۱۳۴۴ تحت عنوان «قانون مبادلات مرزی» به پیشنهاد هیئت دولت به تصویب رسید و بالاخره بر اساس تبصره الحاقی ماده (۴) قانون مبادلات مرزی در سال ۱۳۴۸ شرکت‌های تعاونی مرزنشینان در سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر تشکیل، و توانستند نسبت به صدور و ورود کالاهای موضوع مبادلات مرزی و انجام تشریفات گمرکی اقدام نمایند. (هاشمی ۱۳۷۵:۳)

مطابق با ماده ۲۰۴ قانون برنامه پنجم توسعه دولت جهت تأمین امنیت پایدار در مناطق مرزی حمایت‌های مالی و حقوقی لازم را از شرکت‌های تعاونی باید بعمل آورد.

«در راستای ارتقاء و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی. دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می‌آورد.»

مشارکت‌کنندگان در تحقیق نیز به نقش مثبت و سازنده تعاونی مرزنشینان در جهت بهبود معیشت مردم این مناطق تاکید داشتند. به گونه‌ای که یکی از مشارکت‌کنندگان راه برون رفت از فقر را به خصوص در مناطق روستایی استان تاب‌آوری اجتماعی و ایجاد شرکت‌های تعاونی خرد می‌داند. یکی از مترقی‌ترین بحث‌هایی که در این زمینه وجود دارد تاب‌آوری اجتماعی است البته نه به صورت ان جی او، بلکه به صورت تعاونی‌های اجتماعی، ان جی او تشکیل شده است تا به افراد دیگر خدمت‌رسانی کند و در واقع در جهت حمایت از افراد دیگر است اما در شرکت‌های تعاونی افراد در کنار هم جمع می‌شوند که به خودشان کمک کنند. این مترقی‌ترین فرم و شکل مشارکت اجتماعی تا توانمندسازی است و ما هیچ راه حلی دیگری در این زمینه نداریم. به طور مثال سوزن‌دوزی در منطقه رواج دارد اگر ده تا بیست خانم بیاند و یک شرکت تعاونی سوزن‌دوزی ثبت کنند هم از منابع علمی می‌توانند به راحتی استفاده کنند و هم اینکه به جای اینکه شرکت ثبت کنند و بیست و سی درصد سود را به کارگران بدهد خود کارگران تمام این سود را خودشان دریافت کنند خود افراد باید بیایند و این تشکل‌سازی را در جهت وصل شدن به بازار انجام بدهند مشکلی که در این زمینه در استان وجود دارد این است که تصور بر این هست که کسان دیگری باید این کار را انجام دهند خودشان نمی‌توانند نهادهایی به مانند کمیته امداد یا بهزیستی البته. در جای خودشان این نهادها

لازم است در این زمینه ورود پیدا کنند در واقع ذهنیت وابستگی وجود دارد. یک مثال دیگر مثلاً افرادی که شاید چندین نخل در منطقه دارند و با هم جمع بشوند و بتوانند شرکتی که فراوری بکند محصولات خرما را به طور مثال بسته‌بندی و یا تولید محصولات جانبی از خرما تشکیل بدهند. به خصوص با وجود فناوری اطلاعات الان محدودیت مکانی و زمانی نیست یعنی شما می‌توانید محصول را تولید کنید و در هر کجای کشور و حتی دنیا بفروشید.

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که شرکت‌های تعاونی مرزنشینان از اهداف خود فاصله گرفته و بیشتر در جهت منافع عده خاصی از افراد صاحب قدرت و ثروت فعالیت می‌کنند. دولت می‌تواند با ایجاد شرکت‌های تعاونی مرزنشینان البته نه به صورتی که الان وجود دارد که تبدیل به یک رانت برای یک عده معدود شده است. بازارچه‌های مرزی علاوه بر مردم مرزی می‌توانند به کل اقتصاد کشور کمک کنند. اما متأسفانه در حال حاضر نه تنها هیچ‌گونه کمکی نمی‌کنند بلکه به آنها لطمه می‌زنند. به طور مثال شرکت‌های تعاونی مرز نشینان که ۱۰۰۰ عضو دارد می‌تواند ماهیانه ۱۰۰ دلار واردات یا صادرات داشته باشد این شرکت می‌تواند صد هزار دلار اجناس ضروری مرزنشینان و مردم منطقه به طور مثال از مرز پاکستان میوه یا برنج و یا وارد کند و در نهایت سود آن را بین مردم تقسیم کنند اما می‌بینید با زد و بند با فرماندار و برخی مسولین شرکت اجناس یک تاجر تهرانی را که مثلاً یخچال سامسونگ وارد می‌کند و در نهایت کلی مالیات برای شرکت تعاونی می‌آید که بر عهده شرکت و مردم می‌ماند. شرکتی که قرار بود مایحتاج مردم مرزی را تأمین کند یعنی سوء استفاده از فرصت‌هایی که دولت برای مردم مرزی تعریف کرده است.

جهت تقویت و افزایش نقش تعاونی‌های مرزنشینان در بازرگانی کشور مهمترین گام؛ برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های لازم به منظور ایجاد تحول ساختاری و سوق دادن آنها به سمت تولیدی شدن به جای فعالیت توزیعی صرف می‌باشد.^۱ این مهم ضمن ایجاد اشتغال بیشتر، حرکتی مهم در جهش صادرات تعاونی‌های مرزنشین خواهد بود؛ لذا شایسته است که هم به لحاظ ساختاری از دید قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی و هم به لحاظ عملکردی در جهت تولیدی کردن بخشی از فعالیت‌های تعاونی‌های مرزنشینان اقدامات و مقدمات لازم فراهم گردد. همچنین ثبات و پایداری قوانین و مقررات، کاهش

۱. مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی (... بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود...).

عوارض و مالیات، و هماهنگی میان سازمانی به پایداری ساختار و عملکرد تجاری تعاونی‌های مرزنشین و ارتقاء جایگاه آنها بیش از پیش منجر خواهد شد. (ابراهیم زاده و بریمانی؛ ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۱۶).

نتیجه گیری

فقر که انعکاسی از توسعه نیافتگی است، مشکلات مختلفی را برای جوامع به بار می‌آورد؛ به همین جهت موضوع فقر برای تمامی کشورهای جهان و سیاست‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تا با سنجش و اندازه‌گیری فقر و نیز با انتخاب بهترین راه‌های فقرزدایی برنامه‌ها و سیاست‌های خویش را اجرایی بکنند. اما دستیابی به این هدف بدون شناخت ریشه‌ها و موانع و به دنبال آن استفاده از ظرفیت‌های موجود امری دشوار است، لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و ظرفیت‌های اداری جهت فقرزدایی در استان مرزی سیستان و بلوچستان انجام شد و نتایج پژوهش حاصل از تحلیل داده‌ها و مصاحبه‌ها و همچنین بررسی اسناد نشان می‌دهد که با وجود اجرای بخش‌هایی از طرح‌ها و پروژه‌های مصوب در اسناد و سیاست‌های موجود، همچون سند آمایش سرزمین، اسناد توسعه استان و برنامه‌های توسعه پنج ساله متاسفانه جز بخشی از اهداف مصوب تحقق نیافته است و همچنان شاهد فقر چشمگیری در این استان هستیم. همچنین نتایج پژوهش گویای آن است که این استان در مسیر فقرزدایی با چالش‌های جدی همچون اتخاذ رویکرد امنیتی به مرزها، وجود اقتصاد نایمن و عدم استفاده بهینه از مبادلات مرزی به مثابه فرصت اقتصادی و سیاست‌های نامطلوب دو کشور پاکستان و افغانستان در رابطه با مرز روبرو است و این عوامل خود بر تشدید و ماندگاری فقر دامن می‌زنند. اما چنانچه به مرز به‌عنوان یک پتانسیل در جهت رونق اقتصادی کشور به‌طور کلی و در جهت رفع فقر در مناطق مرزی نگریسته شود ظرفیت‌های ارزشمندی در این مناطق وجود دارد، ظرفیت‌هایی همچون بازارچه‌های مرزی، ایجاد مراکز صنعتی و معدنی با وجود معادن سرشار استان و همچنین استفاده از ظرفیت تعاونی‌های مرزنشینان، با استفاده از ظرفیت مردم محلی اشاره کرد که در صورت تصویب و اجرای سیاست‌های درست از طرف دولت می‌تواند به رونق اقتصادی و کاهش فقر کمک شایانی نماید.

فهرست منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و بریمان، فرامرز (۱۳۸۵). «تحلیلی بر تعاونی‌های مرزنشینان و جایگاه ساختاری و عملکردی آن در سیستان و بلوچستان»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۱.
- احدی، محمد (۱۳۸۷). جغرافیای امنیتی کشورهای همجوار، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ترحمی، مهدی (۱۳۸۸). تروریسم در پاکستان، تهران: انتشارات دفتر مبارزه با تروریسم، دانشگاه آزاد اسلامی.
- جان‌پرور، حسن، قربانی سپهر، آرش ومیر شکاری، محمدرضا (۱۳۹۶). «نگرش امنیت پژوهانه به بحران‌های پایه‌ای قرن ۲۱»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره ۳.
- جمعه پور، محمود و طالبی، محمد علی (۱۳۹۱). «بررسی نقش تعاونی‌های مرزنشینان در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی مورد مطالعاتی مرزنشینان شهرستان در میان»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی دوره ۳ شماره ۱۰.
- خدادادکاشی، فرهاد و سلیمان نژاد علی اکبر، (۱۳۹۱). «برآورد خط فقر و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال ۲۷ شماره دوم، پیاپی ۱۰۵.
- رازینی، علی، باستانی، علیرضا (۱۳۸۲). «تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی»، دفتر مطالعات اقتصادی گروه تجارت خارجی تهران.
- راستی عمران و رحیمی، سردار محمد (۱۳۸۸). «امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور- پیرامون مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان».
- رمضان‌خواه، متین، رضانی، مجید و قاسمی، روح الله (۱۳۹۵). «مساله شناسی راهبردی در استان سیستان و بلوچستان»، مرکز بررسی‌های استرژیک ریاست جمهوری.
- روشن، رضا (۱۳۹۴). بررسی فرصت‌ها و چالش‌های محیط کسب و کار بخش صنعت و معدن استان سیستان و بلوچستان، کنفرانس سالانه مدیریت و اقتصاد کسب و کار تهران.
- عسگری، علی و اشرف‌زاده، حمید رضا (۱۳۶۹). بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- عندلیب، علی رضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی نیروهای مسلح.
- کاروانی، عبدالطیف، پورمنافی ابولفضل و رئیسی، سمیه (۱۳۹۹). «تحلیل کیفی شرایط و عواملی علی فقر و ناامنی در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، پژوهش نامه مطالعات مرزی، پیاپی ۳۰ ۱».
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۲). «جایگاه صنایع کوچک دستی در توسعه روستایی»، نشریه مرکز اطلاعات علمی (مجازی)، سال ۱، دوره ۱، شماره ۱.

ظرفیت‌ها و چالش‌های اداری فقرزدایی در مناطق مرزی؛ مورد مطالعه استان سیستان و بلوچستان ۳۵

محمودی، علی (۱۳۸۴). ساختار مبادلات بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزینشین، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

محمودی، وحید، نگین تاجی، زریر و احمدی، فرزاد (۱۳۸۹). «تجزیه تغییرات فقر به دو عامل رشد و باز توزیع طی برنامه‌های دوم و سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران»، فصلنامه اقتصاد، سال اول، شماره ۲. هاشمی، محمد (۱۳۷۵). «مونوگرافی تعاونی مرزینشینان هرمک» اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان زاهدان.

Chandoev wit, worawan(2004)."Thailands Cross Border Economy A case study of Kaeoand Chingrai", Thailand Development Resource Institute.

قوانین و مقررات

قانون اساسی

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

سند ملی آمایش سرزمین

سند توسعه استان سیستان و بلوچستان

قانون برنامه پنج ساله پنجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

قانون برنامه پنج ساله ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران